خبر

نگرانی آمریکا از ضعف پدافندی‌اش مقابل موشک‌های ایران

عبور موشک‌های بالستیک ایران از لایه‌های پدافندی آمریکا باعث نگرانی واشنگتن شده است. روزنامه وال استریت ژورنال عبور موشک‌های بالستیک ایران از سامانه‌های پدافندی آمریکا و اصابت آن به پایگاه هوایی «موفق السلطی» در اردن را نشان‌دهنده چالش‌های پیشِ‌روی واشنگتن در محافظت از نظامیانش در منطقه دانسته است. به گزارش تسنیم، این روزنامه نوشته است: حملهٔ موشکی ایران به یک پایگاه هوایی در اردن که منجر به کشته شدن دو نیروی نظامی آمریکایی شد، به کانکس‌های پیش‌ساختهٔ محل سکونت و استراحت این نیروها اصابت کرده است. به گفتهٔ مقامات؛ حمله به پایگاه هوایی «موفق السلطی» یکی از سه حملهٔ موشکی مجزا به این پایگاه طی ۲۴ ساعت در هفتهٔ گذشته بود که به کشته شدن دو سرباز از یگان‌های پدافند هوایی و موشکی ارتش انجامید، بقایای پیکر نفر سوم نیز در محل پیدا شده و در حال بررسی است. این روزنامه نوشت: عبور سه موشک از پدافند هوایی آمریکا، نشان‌دهندهٔ چالش‌های بزرگ در حفاظت از حدود ۵۰ هزار نیروی مستقر در منطقه در برابر نیروهای مسلح ایران است؛ نیروهای مسلحی که همچنان به شمار قابل توجهی موشک‌های بالستیک و پهپاد مجهز است. روزنامه وال استریت ژورنال پیش‌تر گزارش داده بود: ایران خود را با پدافندهای آمریکا وفق داده است و موشک‌هایی شلیک می‌کند که با سرعت بسیار بالا حرکت می‌کنند و هنگام شیرجه به سمت زمین، قابلیت مانورپذیری دارند.

■■■

اعتراض در دهلی‌نو به لغو وضعیت ایالتی جامو و کشمیر هند

هزاران نفر در دهلی با ریاست سر وزیر کشمیر هند، خواستار بازگرداندن وضعیت ایالتی این منطقه شدند. به گزارش تسنیم، چند هزار نفر در پایتخت هند با ریاست «عمرعبدالله»، وزیر ارشد جامو و کشمیر، در اعتراض به لغو وضعیت ایالتی این منطقه تجمع کردند و خواستار بازگرداندن حقوق سیاسی و اداری کشمیر شدند. وزیر ارشد جامو و کشمیر با انتشار پیامی در ایکس نوشت پلیس مانع برگزاری تجمع معترضان شده است. وی در این پیام تصاویری از معترضان منتشر کرد که در دست‌هایشان پلاکاردهایی با شعارهایی درباره بازگرداندن وضعیت ایالتی و حقوق منطقه شده‌اند. به گزارش رویترز، عبدالله نوشت: این تنها آغاز مبارزه ما برای وضعیت ایالتی، حقوق، کرامت و همه چیزهایی است که از ما گرفته شده است. در آگوست ۲۰۱۹، دولت نارندرا مودی، نخست‌وزیر هند، خودمختاری نسبی ایالت جامو و کشمیر را لغو کرد، وضعیت ایالتی آن را از بین برد و این منطقه را به دو قلمرو تحت اداره مستقیم دولت فدرال تقسیم کرد؛ جامو و کشمیر که شامل مسلمان‌نشین کشمیر و منطقه هندونشین جامو است، ولداخ که جمعیت قابل توجهی بودایی دارد. دولت هند از آن زمان اعلام کرد وضعیت ایالتی این منطقه هیمالیایی در «زمان مناسب» بازگردانده خواهد شد، اما تاکنون زمان مشخصی برای آن تعیین نکرده است. عمر عبدالله و حزب وی، «کنفرانس ملی جامو و کشمیر»، تأکید دارند وضعیت ایالتی باید هرچه زودتر و مطابق با وعده دولت هند بازگردانده شود.

■■■

افزایش چشمگیر خشونت جنسی علیه کودکان در آلمان

اداره فدرال پلیس جنایی آلمان از ثبت رکوردهای جدید خشونت و سوء استفاده جنسی علیه کودکان در این کشور خبر داد. به گزارش روزنامه تاگس اشپیگل، براساس گزارش وضعیت فدرال در مورد جرائم جنسی که توسط دفتر پلیس جنایی فدرال آلمان منتشر شده است، تعداد موارد سوءاستفاده جنسی از کودکان سال گذشته میلادی مجددا افزایش یافته است. بر این اساس، تعداد موارد ثبت شده سوءاستفاده جنسی از کودکان در آلمان در پنج سال گذشته به طور قابل توجهی افزایش یافته است. بر اساس گزارش اداره پلیس جنایی فدرال (BKA) با عنوان «جرایم جنسی علیه کودکان و نوجوانان» که در برلین ارائه شد، سال گذشته پلیس ۱۷۱۲۶ مورد از این گونه جرائم را ثبت کرد که حدود ۱۶۰۰ مورد بیشتر از سال ۲۰۲۱ است.
آمارها نشان می‌دهد در مقایسه با سال ۲۰۲۴، تعداد این گونه پرونده‌ها در سال گذشته ۷۷۲ مورد افزایش یافته است.

سیاستمدارانی که عبرت جهانیان می‌شوند

اتانازی دولت لبنان

حنیف غفاری

طبق آنچه رسانه های آمریکایی و صهیونیستی ادعا کرده اند، ارتش لبنان مسؤولیت مناطق آزمایشی و تخلیه آن‌ها از سلاح‌های حزب‌الله را بر عهده گرفته است! یک مقام کاخ سفید در گفت و گو با آکسیوس در این خصوص اظهار کرده است:
"ما هنوز در حال مذاکره با اسرائیل و لبنان هستیم تا مشخص شود کدام طرف مسؤول راستی‌آزمایی خالی بودن این مناطق از سلاح‌های حزب‌الله خواهد بود. پس از تأیید خالی بودن مناطق از سلاح‌های حزب‌الله، مرحله دوم آغاز خواهد شد."
همان گونه که مشخص است، دولت لبنان در اقدامی که کمترین سنخیتی با عقلانیت راهبردی و محاسباتی ندارد، به جای حمایت از بند اول تفاهم اسلام آباد و اصرار بر خروج بی قیدوشرط رژیم اشغالگر صهیونیستی از جنوب کشورشان، تن به تفاهمی یکطرفه داده‌اند که تحقق آن در بهترین حالت، منوط به تامین همه منافع و خواسته های واشنگتن و تل آویو خواهد بود!

اتانازی دولت لبنان

در ادبیات پزشکی، «اتانازی» به پایان دادن ارادی به زندگی یک بیمار صعب‌العلاج به دست خود یا با کمک پزشک اطلاق می‌شود؛ فرآیندی که در آن فرد از سر درد، ناامیدی یا ناتوانی مطلق، مرگ را بر ادامه بقا ترجیح می‌دهد. در دنیای سیاست و روابط بین‌الملل نیز پدیده‌ای مشابه اما بسیار هولناک تر وجود دارد که می‌توان آن را "اتانازی دولت" (State Euthanasia) نامید. این پدیده زمانی رخ می‌دهد که یک دولت به دست خود و از طریق زنجیره‌ای از خطاهای محاسباتی فاحش، تصمیمات ضداستقلال، رفتارهای ضد منافع ملی و اقدامات ناسازگار با ثبات منطقه‌ای، مسیر فروپاشی و انهدام تدریجی خود را هموار می‌کند. اتانازی دولت، خودکشی سیستماتیک ساختار حکمرانی است که در آن، نخبگان تصمیم‌گیر با دست خود شاهرگ‌های حیاتی کشورشان را قطع می‌کنند. آنچه امروز در دولت لبنان رخ می‌دهد، دقیقا مصداق همین موضوع است.

خطای توامان محاسباتی راهبردی

نخستین گام در فرآیند اتانازی یا خودویرانگری یک دولت، ابتلا به «نابینایی راهبردی» و اشتباه در محاسبه مقدورات و محذورات ملی است. دولتی که دچار این نقیصه می‌شود، فهم درستی از موازنه قوا در محیط بین‌المللی ندارد. این دولت‌ها معمولاً یا قدرت خود را بیش از حد واقعی برآورد می‌کنند و دست به ماجراجویی‌های فراتر از توان ملی می‌زنند، یا به شکلی افراطی دچار ضعف نفس شده و توان داخلی خود را ناچیز می‌شمارند. به نظر می‌رسد در قبال دولت نواف سلام در بیروت، گزینه دوم صدق کند. در این وضعیت، دولت لبنان با این فرض غلط که بقای آن تنها در گرو ادغام کامل و بی‌چون و چرا در هژمونی ادعایی آمریکا و رژیم صهیونیستی می‌باشد، گام در مسیر واگذاری حاکمیت ملی خود گذاشته است. اصل بحران زمانی آغاز می‌شود که تصمیم‌گیران تصور می‌کنند امتیازدادن‌های یک‌طرفه و پی‌درپی، برای آن‌ها امنیت و مشروعیت به ارمغان می‌آورد؛ غافل از اینکه در منطق بی‌رحم روابط بین‌الملل، عقب‌نشینی بدون موازنه متقابل، صرفاً اشتها و فشار طرف مقابل را برای امتیازگیری‌های بعدی بیشتر می‌کند تا جایی که دیگر چیزی از حاکمیت ملی باقی نماند.

تصمیمات ضد استقلال: مسخ حاکمیت ملی

استقلال سیاسی، ناموسِ حقوقی و حیاتی یک دولت-ملت است. دولتی که به سمت خودویرانگری حرکت می‌کند، استقلال خود را قربانی توهماتی چون «حمایت بین‌المللی» یا «امنیت اجاره‌ای» می‌سازد. واگذاری حق تصمیم‌گیری به کانون‌های قدرت خارجی، پذیرش معاهدات تحمیلی که ظرفیت‌های درونی کشور را قفل می‌کنند، وتعلیق داوطلبانه ابزارهای قدرت سازملی (نظیر توانمندی‌های نظامی) نمونه‌های بارز تصمیمات ضداستقلال هستند. بهتر است ژوزف عون و نواف سلام در این خصوص به یک سوال ساده پاسخ دهند: چرا با وجود حداقل ۱۰ هزار مرتبه نقض آتش‌بس در لبنان از سوی رژیم صهیونیستی طی یکسال اخیر، نهادهای بین‌المللی و کشورهای دخیل در انعقاد پیمان آتش بس (و در راس آنها آمریکا)، کمترین اقدامی در مهار و حتی محکومیت تل آویو صورت نداده اند؟! وقتی ساختار تصمیم‌گیری یک کشور، منافع ملی خود را از عینک منافع بیگانگان تعریف کند، فرآیند خودویرانگری کلید خورده است. در این حالت، دولت به تدریج پایگاه اجتماعی و مشروعیت داخلی خود را از دست می‌دهد؛ زیرا شهروندان درمی‌یابند که حاکمانشان به جای نمایندگی اراده ملی، به کارگزاران اراده و منافع قدرت‌های خارجی تبدیل شده‌اند. این گسست عمیق میان دولت و ملت، نخستین گام عملی در فروپاشی درونی سازمان دولت است. نارضایتی و خشم شدیدی که امروز لبنانی ها نسبت به دولت نواف سلام دارند، منبعث از همین حقیقت است.

حراج سرمایه های راهبردی دولت لبنان

دولت مرعوب کنونی لبنان در مسیر خطرناک خودویرانگری، تصمیماتی اتخاذ کرده است که مستقیماً ارکان پایداری ملی، یعنی اقتصاد و سرمایه اجتماعی این کشور را نابود می‌سازد. محاسبات کلان امنیتی یک کشور، پیوندی ناگسستنی با جغرافیای پیرامونی آن دارد. چنین قاعده‌ای در خصوص دولت کنونی لبنان و معادلات منطقه‌ای و پیرامونی آن نیز صادق است. در همسایگی لبنان، بازیگری متوحش، اشغالگر و غیرقابل مذاکره وجود دارد که ماهیت آن حول نسل کشی و باج خواهی شکل گرفته است. در چنین شرایطی نواف سلام و ژوزف عون تصور کرده اند که اگر امنیت خیالی خود را به آمریکا، به عنوان اصلی‌ترین شریک رژیم صهیونیستی پیوند بزنند، شاهد پایان بحران در کشورشان خواهند بود! ورود به اتحادهای نظامی با قدرت‌های مداخله‌گر غربی که با هدف مهار یا تقابل با همسایگان طراحی شده‌اند، نمونه‌ای از خطاهای راهبردی ضد منطقه‌ای است. اکنون دولت و ارتش لبنان به واشنگتن و تل آویو تعهد داده اند که در ازای خلع سلاح حزب الله (که مترادف با همان خلع سلاح کل لبنان محسوب می‌شود)، عقب‌نشینی موقتی، تضمین نشده و آزمایشی رژیم صهیونیستی، آن هم از بخشی از جنوب لبنان! را شاهد باشند! چنین رفتاری، لبنان را به انبار باروت و میدان بازی آمریکا و رژیم صهیونیستی تبدیل می‌کند. وقتی یک دولت، قلمرو خود را به پایگاهی برای پیاده‌سازی اهداف بیگانگان و اشغالگران مبدل می‌سازد، نه تنها امنیت پایدار به دست نمی‌آورد، بلکه خود را در خط مقدم هرگونه درگیری نظامی قرار می‌دهد. انزوای منطقه‌ای و تکیه بر تضمین‌های امنیتی توخالی بازیگران فرامنطقه‌ای (که تجربه تاریخی نشان داده در بزنگاه‌ها هرگز به تعهدات خود پایبند نیستند)، این دولت‌ها را در برابر تهدیدات به شدت آسیب‌پذیر و بی‌پناه رها می‌کند. خودویرانگری دولت لبنان، هشداری بزرگ برای همه نخبگان و درسی تلخ برای همه مخاطبان حوزه روابط بین‌الملل محسوب می‌شود. اگرچه در نهایت رژیم صهیونیستی و آمریکا به خواسته‌های شوم خود در لبنان نخواهند رسید، اما قطعا نام نواف سلام و ژوزف عون به عنوان دو سیاستمدار مرعوب، بی درایت و فاقد حس وطن دوستی و استقلال در تاریخ جهان باقی خواهد ماند. تاریخ روابط بین‌الملل سرشار از نام دولتمردانی است که بازتست‌های مدرن، دیپلماسی‌های نسنجیده و اعتماد ساده‌لوحانه به وعده‌های خارجی، تیشه به ریشه استقلال و امنیت ملی خود زدند. بقا در جهان آشوب‌زده و در حال گذار کنونی، نیازمند هوشیاری مستمر، اتکا به ظرفیت‌های درونی، صیانت از استقلال سرزمینی و سیاسی و فهم واقع‌بینانه از معادلات ژئوپلیتیک است. دولتی که این اصول اولیه بقا را فراموش کند، دانسته یا ندانسته سند مرگ خود خواسته یا همان «اتانازی» خود را امضا کرده است.

تقویت موج صهیونیسم ستیزی در آمریکا

انتشار نتایج نظرسنجی جدید هاروارد-هریس شوک سخت دیگری را به کاخ سفید، رژیم صهیونیستی و لابی آیپک در آمریکا وارد ساخته است. براساس این نظرسنجی، ۶۰ درصد جوانان زیر ۲۴ سال در آمریکا اعلام کرده‌اند که در درگیری «حماس» و «اسرائیل»، حامی جنبش مقاومت فلسطین هستند. رمزگشایی از نتایج این نظرسنجی چندان دشوار نیست: شدت حمایت نسل نوین آمریکا از جریان مقاومت و متعاقبا نفرت آنها از رژیم اشغالگر قدس، حتی نسبت به نقطه اوج جنگ غزه در سالهای ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵ میلادی نیز افزایش یافته و گذشت زمان، منتج به فروکش کردن رویکرد ضد صهیونیستی نوجوانان و جوانان آمریکایی نشده است. صورت مسئله چندان پیچیده نیست، هرچند که درک آن، مقامات آمریکایی-صهیونیستی را وحشتزده ساخته است. توسعه و گسترش دسترسی به اطلاعات در عصر ارتباطات، معادلات قدرت را در عرصه جهانی دستخوش تغییری بنیادین کرده است. یکی از مهم‌ترین جنبه‌های این تغییر، افزایش آگاهی نسل‌های جدید در قبال ماهیت و ابزارهای نوین «جریان سلطه» و به موازات آن، شکل‌گیری موج‌های مخالفت و ایستادگی در برابر ساختارهای استعماری و استثماری نوین است؛ پدیده‌ای که به وضوح هراس و سراسیمگی را در آمریکا و رژیم صهیونیستی به دنبال داشته است. وحشت جریان سلطه از بیداری و آگاهی نسل‌های جوان، ریشه در سست شدن پایه‌های فکری و معرفتی نظام سلطه دارد. در دهه‌های گذشته، استعمار سنتی و نوین عمدتاً بر ابزارهای سخت‌افزاری، رسانه‌های انحصاری یک‌سویه و روایت‌سازی‌های یک‌جانبه تکیه داشت تا از این طریق، استیلا و دخالت‌های خود را تحت عناوین بشردوستانه یا توسعه‌بخشی توجیه کند. با این حال، نسل جدید با بهره‌گیری از ابزارهای ارتباطی متنوع و دسترسی به روایت‌های جایگزین، توانسته است از پوسته ظاهری شعارها عبور کرده و به تحلیل عمیق‌تر ساز و کارهای پنهان قدرت، توزیع ناعادلانه ثروت جهانی و مداخله‌جویی‌های سیاسی بپردازد. این آگاهی، کارکرد رسانه‌های سنتی سلطه را در اقناع افکار عمومی با چالش جدی مواجه کرده است. بر همین اساس، نوجوانان و جوانان آمریکایی دیگر حاضر به پذیرش روایتسازی لابی‌های صهیونیستی (که رسانه‌های آمریکا را در کنترل خود دارند) و ادعاهای دروغین جمهوریخواهان و دموکراتها در قبال مسئله فلسطین و دیگر مناقشات جاری در غرب آسیا نیستند. مطالبه‌گری برای عدالت، استقلال و نفی رویکردهای استانداردهای دوگانه در سیاست بین‌الملل، به ویژگی بارز حرکات اجتماعی و فکری جوانان در سراسر جهان تبدیل شده و اکنون شاهد تبلور این موضوع در داخل آمریکا هستیم. نسل نوین آمریکا، با پایش دقیق رفتار قدرتهای سلطه‌گر، تناقضات میان شعارهای حقوق بشری و عملکرد واقعی آن‌ها را به سرعت شناسایی و افشا می‌کند. مخالفت فعالانه نسل‌های جدید با سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایانه، تحریم‌های ظالمانه و مداخلات نظامی و استمرار نسل‌کشی و اشغالگری واشنگتن و تل آویو، جایی برای تنفس مسموم "قاتلان متوحش" باقی نخواهد گذاشت.

اهمیت زمامدار خردمند

ادامه در صفحه اول

نتیجه همه این تحولات، جان گرفتن دوباره چندجانبه‌گرایی است؛ جهانی که به آرامی از سایه سنگین نظم تک‌قطبی فاصله می‌گیرد. شاید هنوز برای اعلام پایان هژمونی آمریکا زود باشد، اما تردیدی نیست که سرعت افول آن بیش از گذشته به چشم می‌آید.
از همین رو، اهمیت زمامدار خردمند را نباید دست کم گرفت. زمامدار خردمند، کسی است که می‌داند هر تصمیم او، حلقه‌ای از زنجیره حوادث آینده است؛ کسی که میان هیجان و عقلانیت، دومی را برمی‌گزیند و میان منفعت کوتاه‌مدت و مصلحت بلندمدت، گرفتار شتاب زدگی نمی‌شود.
تاریخ، بیش از آنکه فاتحان را به خاطر قدرتشان به یاد بسپارد، آنان را به سبب خرد یا فقدان آن داوری می‌کند. چه بسیار حکومت‌هایی که با دشمنان بیرونی سقوط نکردند، بلکه قربانی خطاهای زمامداران خود شدند؛ و چه بسیار ملت‌هایی که تنها به برکت تدبیر یک حاکم، از دل بحران‌ها، قدرتمندتر از گذشته سربرآوردند. در جهان امروز، «خرد» دیگر یک فضیلت اخلاقی صرف نیست؛ یک مؤلفه راهبردی و یک سرمایه ملی است. زمامدار خردمند، پیش از آنکه بر سرزمین خود حکومت کند، بر نفس، هیجان و شتاب زدگی خویش حکومت می‌کند؛ و شاید راز ماندگاری ملت‌ها نیز همین باشد.

آگهی مزایده اموال غیرمنقول (اسناد دهه)
پرونده کلاسه ۱۴۰۴۰۰۷۲۳ مطروحه در شعبه اجرای ثبت اسناد و املاک گنبدکاووس
فرشته حیدری نام پدر محمود تاریخ تولد ۱۳۴۵/۳/۲۴ شماره ملی ۶۸۸۸۶۵۰۱۶۰ شماره شناسنامه ۱۰۱۵ باستناد سند ازدواج شماره سند ۴۴۹ مورخ ۱۳۸۸/۱۰/۲۱ دفترخانه صادرکننده دفترخانه ازدواج ۲۴۳ شهر گنبدکاووس استان گلستان جهت وصول طلب خود علیه ورثه سلیمان علاقی نام پدر محمدی تاریخ تولد ۱۳۳۴/۱۲/۱ شماره ملی ۲۲۳۹۷۰۸۳۰۱ شماره شناسنامه ۳۱۹ که برابر گواهی انحصار وراثت شماره دادنامه ۱۰۱۳۶۹۱۱۰۲ مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۰۵ عبارتند از شمین علاقی نام پدر سلیمان تاریخ تولد ۱۳۶۹/۴/۲۴ شماره ملی ۲۰۲۰۱۹۲۴۴۶ شماره شناسنامه ۲۰۲۰۱۹۲۴۴۶ ولاجن علاقی نام پدر سلیمان تاریخ تولد ۱۳۵۹/۶/۲۴ شماره ملی ۲۲۳۹۸۲۲۳۴۱ شماره شناسنامه ۳۶۸ وآرمین علاقی نام پدر سلیمان تاریخ تولد ۱۳۶۲/۶/۳۱ شماره ملی ۶۲۸۹۸۹۸۳۵۳ شماره شناسنامه ۱۵۱ در قبال ۲۰۰۰ عدد سکه تمام بهار آزادی که به مبلغ ۳/۸۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به روز رسانی گردید تقاضای صدور اجرائیه نموده است.
مشخصات ملک:
وضعیت ثبتی پلاک ۶۸۷۵۶ شصت و هشت هزار وهفتصد و پنجاه و شش فرعی از ۱ یک اصلی بخش ۱۰ ده ناحیه ۱ یک به شرح ذیل اعلام می گردد.
مشخصات ملک: یک قطعه واحد تجاری وضعیت خاص طلق با کاربری تجاری به پلاک ثبتی ۶۸۷۵۶ شصت وهشت هزار و هفتصد و پنجاه و شش فرعی از ۱ اصلی مفروز و مجزا شده از ۱۵۶۶۰ فرعی از اصلی مذکور قطعه ۳ در طبقه ۰ ووافع در بخش ۱۰ ناحیه ۱ حوزه ثبت ملک گنبدکاووس استان گلستان به مساحت ۱۹/۴۱ مترمربع نوزده مترو چهل ویک دسیمترمربع
متن ملک واحد تجاری قطعه سوم تفکیکی مفروز و مجزی شده از شماره ۱۵۶۶۰ فرعی از اصلی مذکور ۱۹/۴۱ نوزده مترو چهل ویک دسیمترمربع واقع در همکف. توضیحات ملک
به حدود:
شمالا: دیوار است مشترک به طول ۵/۵۳ پنج متر و بیناه و سه سانتیمتر به واحد تجاری قطعه ۲
شرقا: درب و دیوار است به طول ۳/۴۸ سه مترو چهل و هشت سانتیمتر به خیابان خیام شمالی بعرض ۱۸ متر
جنوبا: دیوار است به طول ۵/۵۲ پنج متر و بیناه و هفت سانتیمتر به در انتقالی
غربا: دیوار است به طول ۳/۵۳ سه متر و بیناه و سه سانتیمتر به انباری قطعه ۱
مالکیت سلیمان / علاقی فرزند محمدی شماره شناسنامه ۳۱۹ تاریخ تولد ۱۳۳۴/۱۲/۱ صادره از بندر ترکمن دارای